

کوتاه از دیپلماسی

## توضیحات مقام آمریکایی درباره جزئیات نشست وین

**● ایلتنا:** مقام آمریکایی توضیحاتی درباره نشست وین ارائه کرد. به گزارش دیپلماتیک، یک مقام آگاه آمریکایی گفت: «امروز ایالات متحده «پیشرفتی» در زمینه روشن‌کردن مراحلی که ایالات متحده و ایران برای بازگشت به انطباق کامل با توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ باید طی کنند، داشته است.» این مقام آمریکایی هشدار داد «هنوز اختلافاتی برای غلبه بر آنها وجود دارد.» وی در ادامه گفت: «ما مقداری پیشرفت کردیم.» این مقام ادامه داد: «اما این مسئله به معنای توافق نظر نیست. هنوز درباره موارد مهم اختلاف نظر وجود دارد. ما مقداری پیشرفت کرده‌ایم. هنوز فاصله برای رسیدن به توافق وجود دارد.» این مقام ارشد وزارت امور خارجه گفت پس از دور دوم رایزنی‌های وین، ایالات متحده اکنون ایده بهتری درباره آنچه برای انجام انطباق کامل لازم است انجام دهد، دارد و ایران ایده بهتری برای آنچه باید انجام دهد، دارد.» وی گفت: «این گفت‌وگوها پر بار بود، اما هنوز اختلاف‌های زیادی وجود دارد که باید برطرف شوند. ما هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم.» وی گفت: «هیئت نمایندگی ایالات متحده از طریق واسطه‌ها برای ایرانیان تعدادی از نمونه‌هایی از انواع تحریم‌هایی که باید آنها را برداریم و تحریم‌هایی که نیازی به برداشتن آنها نداریم، ارائه داد.» این مقام مسئول گفت: «پیچیده‌ترین قسمت، تحریم‌های دسته سوم اعمال‌شده از سوی دولت ترامپ است.»

## انجام نخستین پرواز اضطراری بازگشت ایرانیان از هند

**● ایرنا:** نخستین گروه از دانشجویان و اتباع ایرانی در هند که به دلیل قطع پروازها بر اثر تأدیر و دستورالعمل‌های پیش‌بینی‌شده برای مقابله با گسترش کرونا در هند گرفتار شده بودند، شامگاه جمعه هفتم خرداد با یک فروند هواپیمای شرکت هواپیمایی ماهان، دله‌ی نو را به مقصد تهران ترک کردند. این پرواز با تلاش‌ها و مدیریت سفارت جمهوری اسلامی ایران در هند و رعایت همه دستورالعمل‌های ستاد ملی مقابله با کرونا انجام شد. این گروه سپس از ورود، مجدداً تحت قرنطینه دوهفته‌ای در تهران قرار خواهند گرفت و پس از اطمینان از سلامت کامل ایشان، از قرنطینه خارج خواهند شد. هفته پیش سازمان هواپیمایی کشوری از انتقال دانشجویان ایرانی از مبدأ کشورهای هند و اتباع ایرانی در کشور پاکستان به کشور در پرواز فوق‌العاده با رعایت پروتکل‌های بهداشتی ابلاغی ستاد ملی مبارزه با کرونا خبر داد. سال گذشته نیز پس از وضع قرنطینه سراسری در هند و بسته‌شدن تمام مرزهای هوایی از سوی دولت هند، سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کشور با تلاش‌های فراوان موفق شد چند پرواز اضطراری برای بازگشت اتباع ایرانی از نقاط مختلف هند به کشور عزیزشان ترتیب دهد.

## بودجه چند میلیارد دلاری آمریکا برای مقابله با ایران، چین و روسیه

**● ایستنا:** خبرگزاری اسپوتنیک از اختصاص بودجه چندین میلیارد دلاری در آمریکا برای مقابله با ایران، روسیه و چین خبر داد. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، سند توجیهی کنگره آمریکا درباره بودجه ارائه‌شده از سوی دولت جو بایدن برای سال مالی آینده در این کشور، حاکی از آن است که واشنگتن حدود ۱٫۹ تریلیون دلار برای مقابله با نفوذ ایران، روسیه و چین در اروپا، اوراسیا و به‌ویژه با تمرکز خاص روی خاورمیانه در نظر گرفته است. بنا بر این گزارش، این سند نشان می‌دهد تقریباً ۶۶۵ میلیون دلار به‌طور خاص برای تقویت مقاومت اروپا و اوراسیا در برابر نفوذ بدخیم خارجی و پیشبرد ادغام یورو – آتلانتیک، در کنار پرداختن به چالش‌های رو به رشد روسیه و جمهوری خلق چین، ازجمله آنچه توسعه‌ی غارتگرانه عنوان شده است، هزینه خواهد شد. در این سند همچنین ادعا شده است این بودجه از برنامه‌هایی پشتیبانی می‌کند که متمرکز بر دفاع از دموکراسی، حاکمیت قانون، پیشبرد حقوق بشر و برابری جنسیتی، مبارزه با فساد و مقابله با اقتدارگرایی هستند.

## تلاش پاکستان برای کاهش تنش میان ایران و عربستان شد

**● ایلتنا:** پاکستان خواهان کاهش تنش میان ایران و عربستان شد. به گزارش اکسپرس تریبون، شاه محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان، راهی عراق شد؛ جایی که اخیراً میزبان گفت‌وگوهای ایران و عربستان بوده است. یک مقام وزارت امور خارجه پاکستان، درحالی‌که خواست نامش فاش نشود، گفت: «هرگونه ایجاد روابط بین عربستان سعودی و ایران مطمئناً پیشرفت بسیار مثبتی برای پاکستان محسوب می‌شود.» منابع آگاه گفتند قریشی، وزیر امور خارجه در سفر خود به بغداد، علاوه بر سایر موارد، درباره تلاش‌ها برای کاهش تنش بین عربستان سعودی و ایران گفت‌وگو خواهد کرد. عراق نقشی اساسی در این زمینه داشته و در ماه‌های اخیر میزبان گفت‌وگوهای مقام‌های سعودی و ایرانی بوده است.

## دیپلماسی

نگاهی به تأثیر رابطه تل آویو – واشنگتن برگفت‌وگوهای وین

# آیا اسرائیل، برجام را به هم می‌زند؟



که ممکن است تبدیل به معضل شوند، با هزینه کمتر رفع و رجوع کند. حتی با درنظرگرفتن این گزینه که حفاظت از منافع اسرائیل که اولویت واشنگتن در منطقه است، نیز وجود چنین توافقی، می‌تواند صحنه را تا حدی شفاف‌تر کند تا تصمیمات روند وقایع را رقم بزنند، نه اتفاقات یا بازی‌های خارج از برنامه طرف‌های ثالث.

**یک دردسر کمتر**

برخی معتقدند دولت جو بایدن همانند دولت دونالد ترامپ حامی تمام‌قد اسرائیل و رهبرانش خواهد بود، برخی بر این باورند که دولت او همانند دولت باراک اوباما به دنبال نوعی مدیریت در روابط با اسرائیل و کنترل آن یا به عبارت دقیق‌تر کنترل سیاست‌مدار بی‌پروا و کافه‌به‌هم‌ریزی مثل بنیامین نتانیاوهوست و برخی دیگر، به‌ویژه در سایه فشارهایی که در میان چهره‌های جدید گف‌وگوهای هسته‌ای و سپس امضاکندگنان توافق و اجراکنندگان برجام شدند. در این فاصله و در زمانی که دولت باراک اوباما در آمریکا و دولت حسن روحانی در ایران بر سر کار بودند، بستر برجام زمینه‌ای شد که به واسطه آن، تماس و تعامل بین دو طرف و دست‌سایم وزرای خارجه دو طرف، تا حدی اتفاق می‌افتاد. همین حد از رابطه می‌تواند در بزنگاه‌هایی که تنش‌ها و تقابل‌ها به سمت تبدیل‌شدن به بحران‌های خطرناک‌تر می‌روند، به کار بیایند تا فضا کنترل شود. اهمیت این مسئله در شرایطی معنا پیدا می‌کند که ایران و اسرائیل در صحنه‌هایی مثل سوریه، با هم اصطکاک دارند. رفتار اسرائیل نیز در این زمینه تهاجمی است و تل‌آویو در تصمیم‌گیری‌های خود، محاسبات عقلانی معمول برای پرهیز از تنش و هزینه غیرضروری را چندان دخالت نمی‌دهد. در چنین فضایی، صرف‌نظر از اینکه واشنگتن چه برنامه و جهت‌گیری‌ای در منطقه دارد، وجود همان خط تماسی محدودی که به واسطه آن، به روایت ظریف، کسی مثل کری نتواند تماسی بگیرد و پیامی بدهد و پاسخی بگیرد، می‌تواند مسائلی را

پیدااست که مسئله اسرائیل از نظرگاه واشنگتن است که ممکن است برگفت‌وگوها تأثیر مثبت یا منفی بگذارد و نه تهران و ازاین‌رو، جنبه‌های مختلف اسرائیل اثرگذاری را نیز باید از زاویه دید واشنگتن بررسی کرد. مرور این جنبه‌ها البته نشان می‌دهد که در مجموع، حتی از زاویه حمایت از رویکرد اسرائیل و جنایتش در منطقه نیز، همانند دیگر زوایا، واشنگتن در نهایت احیای برجام را مطلوب‌تر از جایگزین‌هایش می‌بیند.

**جراغ‌گفت‌وگو در مقابل تاریکی ابهام**
ایران و آمریکا رابطه سیاسی ندارند و تماس‌های رسمی میان دو طرف در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، نزدیک به صفر بوده است. استثنای این مسئله، به جز تماس‌های از سر اجبار در صحنه‌هایی مثل افغانستان و عراق، مربوط به بازه زمانی کوتاهی است که دو طرف مشغول گفت‌وگوهای هسته‌ای و سپس امضاکندگنان توافق و اجراکنندگان برجام شدند. در این فاصله و در زمانی که دولت باراک اوباما در آمریکا و دولت حسن روحانی در ایران بر سر کار بودند، بستر برجام زمینه‌ای شد که به واسطه آن، تماس یا حتی راهی دیگر را اگر بخواهد برود، باید در صحنه منطقه کشیکری کند. صحنه خاورمیانه نیز کلکسیونتی از جدل‌ها، تقابل‌ها، چالش‌ها و بحران‌ها را در خود دارد. در چنین فضایی، احتمالاً مطلوب بایدن و واشنگتن خواهد بود اگر بتواند به عبارت صریح، از شر پرونده کهنه و پرچالش تقابل هسته‌ای با ایران راحت شود. این البته به باخت معنای گلستان‌شدن خاورمیانه و دست دوستی و مهرورزی بین تهران و واشنگتن و نادم‌شدن تل‌آویو از اعمال زشتش نخواهد بود، اما دست‌کم تکلیف یک مجموعه از متغیرهای معادله چندمجهولی و درهم خاورمیانه را مشخص می‌کند.

**دغدغه‌های به نام بمب**
ایران بارها و بارها به زبان‌های مختلف و از زبان اکثریت قریب به اتفاقات مقاماتش، شامل بالاترین مقام این کشور تاکید کرده است تمایلی و

این قمار بگیرد؛ شامل اجرای ایده انتقال سفارت آمریکا در سرزمین‌های اشغالی که هم خودش و هم خون‌ریزی‌های در نتیجه‌اش، مطلوب نتانیاهو بود؛ اما سیاست‌های دموکرات‌ها با جک سفیدی که جمهوری خواهان مایل‌اند در دست نتانیاهو داشته باشند، همخوانی ندارد. این به‌ویژه در این دوره صادق است که گروهی از چپ‌ها و جوان‌ترهای حزب، آشکارا به مخالفت با رویکرد اسرائیل در قبال فلسطین پرداخته‌اند و در نتیجه رسانه‌ها و بدنه حامیان حزب را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. اگر زمانی اوباما به نتانیاهو پیام می‌داد اگر قصد حمله به ایران داشت، منظر حمایت آمریکا از نتانیاهو، حالا با دولتی مواجهمیم که تماس با نتانیاهو را تا نزدیک یک ماه پس از تشکیل به تعویق می‌اندازد، در همان تماس تصمیمی که درباره ایران گرفته را به اطلاع او نمی‌رساند و بعد از ماجرای خرابکاری خود، «حرام» و تخطی از قوانین الهی می‌داند؛ اما در نظن با ادبیاتی تند به مقامات اسرائیلی پیام می‌دهد دست از حرافی درباره ایران و نظنن بردارد.

با چنین تصویری دور از ذهن به نظر می‌رسد که واشنگتن، تصمیمی که خود گرفته باشد را به خاطر تصمیمی که تل‌آویو گرفته باشد، کنار بگذارد؛ بلکه چالش‌آفرینی‌های نتانیاهو چه در ایران و چه در فلسطین دولت بایدن را بیشتر مایل به این می‌کند که پیش از اینکه اقدامات اسرائیل در زمینه‌ها و سختی‌های گفت‌وگو را بیش از این بالا ببرد، کار را تمام کند.

**تهران و واشنگتن، نه تل آویو**

در مجموع، مسئله اینجاست که اگر بنا باشد در روند گفت‌وگوهای وین و احیای برجام مانعی ایجاد شود، این تل‌آویو نیست که آفریننده آن خواهد بود. اگر واشنگتن به تردی‌ها و تعلل‌ها فائق آید، به مسیر مشخص برجام تن بدهد و به عبارتی که دیپلمات‌های ایرانی بر آن تاکید دارند، «تصمیم‌بستگی» لازم را بگیرد، دغدغه‌های تل‌آویو باعث برگشتن آمریکا از این تصمیم نخواهد شد. این مسئله‌ای است که حتی از سوی سخنگوی کاخ سفید به صراحت اعلام شده است. او در یک انتخابات رسماً علیه نامزد دموکرات که از قضا رئیس‌جمهور هم بود؛ یعنی باراک اوباما وارد میدان شد و در دو انتخابات بعدی نیز دست‌کم تا وقتی کار ترامپ به باخت رسید، کنار او بود. به‌این‌ترتیب او در دهه گذشته یک بار علیه دولتی که بایدن معاون اول آن بوده است فعالیت کرده است، یک بار علیه حزب بایدن وارد شده و یک بار هم حامی رقیب او بوده است. مسئله البته شخصی نیست. در شکاف عمیقی که بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان رخ داده، نتانیاهو به جای بیرون‌ماندن از دعوا ترجیح داده، است به سمت جمهوری خواهان برود و البته در یک بازه زمانی، امتیازات خوبی هم توانست از

ادامه از صفحه اول

## ظرفیت حضور مردم در آینده کشور

برخواهد آمد و با اینکه به مصداق هفت رأی از ۱۲ رأی، کفایت به ختم موضوع و ارائه نتیجه قطعی به جامعه برای اجرا را می‌دهند. انتخابات بیست‌وهشتم خرداد ماه جاری از زوایای مختلفی دارای خصوصیات و مشخصه‌های بارز و متفاوتی است که شاید در بیش از چهار دهه عمر نظام جمهوری اسلامی ایران کمتر در یک مقطع و یک دوره خاص گرد هم آمده و مسئولیت و تعهد در قبال آن را یک امر همگانی و فراگیرتر از تنها انتخاب یک رئیس‌جمهور قلمداد کرده است. اینکه در هشت سال گذشته کشور چه تحولات، نابسامانی‌ها و فرصت‌هایی را از پیش‌روی گذرانده و امروز در یک بزنگاه تاریخی برای تعیین تکلیف هشت سال آینده و اتفاقات پیش‌رو قرار دارد که هر یک ممکن است مسیر حرکتی نظام را به سمت‌وسویی مشخص و چپتی تعیین‌کننده در سطوحی از حاکمیت سوق دهد، تا چه حدی مورد توجه جناح‌ها و حرکت‌های سیاسی جامعه قرار دارد، امری بسیار حیاتی است و خدای ناکرده اگر تعلل و قصور محاسباتی در تحکیم مسیر آینده به هر بهانه‌ای صورت بگیرد، نمی‌توان از هم‌اکنون در مقابل روند جاری حساسیت‌های لازم را بروز داد و بر تکالیف فردی و جمعی همگانی تاکید نکرد. همان‌گونه که رهبری معظم در تمامی ادوار مشابه و در آستانه هریک از فرایندهای انتخاباتی کشور به تبعیت از اسام راحل و یگانه دوران خویش عمل کرده و حضور پررناط، فرایر و حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی را امری لازم و مبارک برای نظام تلقی کرده و تلاش برای تحقق اصل مبتنی بر مردم‌سالاری دینی را همواره متذکر و مصرانه بر آن تاکید کرده، از این منظر هم حائز اهمیت است که تحقق این اصل و حضور پرشکوه و حداکثری مردم در انتخابات، پایه و ستون‌های نظام و انقلاب مستحکم‌تر، پایدارتر و

سیزدهم در بیست‌وهشتم خردادماه تنها نباید از منظر کشمکش‌های سیاسی و جناحی داخلی و برهنبای فرض و ادعایی اثبات‌نشده به آن نگریسته شود که با یکدست‌شدن، آمال و آرزوهای کشور و جناح مدعی این فرض تأمین خواهد شد که اگر این فرض باطل در دکتربن‌های جهان در حال تحول و شتاب دیروز و امروز بین‌المللی جواب داده بود، امروز دنیا در فراق از دست‌دادن آنها دچار انبساط خاطر و خلاصی از حکومت‌های این‌چنینی ناکام، این مقدار احساس خرسندی و شادکامی نمی‌کرد. ممکن است که فرض بر این نباشد که در تعریف ملاک‌های انتخابات پرشور و حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی اختلاف‌نظرهایی وجود داشته و موضوع یکدستی نهادهای حکومتی و ارگان‌های اداره‌کننده جامعه، عاملی فرض شده‌ که وحدت و یکپارچگی بیشتر را در جامعه تشویق و ترغیب خواهد کرد و به تعبیری موجب تحکیم بیشتر نظام خواهد شد در آن صورت باید به این سؤال اساسی و مبنایی پاسخ‌گو بود که آیا جامعه متکثر و چندین صدایی امروز ایران که دستاورد و محصولی بزرگ برای مردم‌سالاری دینی پس از چهار دهه آزادی است و خطا در این مسیر بوده، چگونه در هر یک از ادوار انتخابات ریاست‌جمهوری در گذشته، همواره فرد و جریانی را که مخالف و غیرهمسو با رئیس‌جمهور وقت و جریان همراه با آن را که هشت سال در حکومت قرار داشته، برگزیده و تداوم شرایط موجود در پاسستور را پس از هشت سال در برنتابیده است؟ بنابراین اتکا و توجه به امری که از سوی حضور حداکثری مردم در ادوار گذشته به آن اعتبار و وقتی داده نشده و همواره با اتکا بر بالندگی بلوغ سیاسی و مسئولیت‌پذیری، خلاف آن را عمل کرده، نمی‌تواند آن را به عنوان فرض مسلم تمکین کند؟

ادامه از صفحه اول

### احیای برجام و ثبات منطقه‌ای

ایران این‌بار حتی با اهداف و اصول مشخص‌تر همچون تلاش برای خروج دائمی آمریکا از منطقه و تقویت نیروهای دوست با هدف تضعیف موقعیت رقبای منطقه‌ای همچون سعودی وارد میدان‌های نبرد شد. ایران همچنین با کاهش تعهدات هسته‌ای در چندین مرحله، قدرت‌ناتانیاهو خود را برای دستیابی به هدف بزرگ‌تر حفظ بقای کشور افزایش داد. البته برخلاف گفت‌وگوهای منطقه‌ای که ظرفیت‌های لازم برای ورود به یک معادله برد-برد را دارد، مسئله محدودیت برنامه موشکی ایران بیشتر یک معادله برد-باخت و به ضرر کشورمان است؛ چون به قوه بازدارندگی تهدیدات ارتباطی می‌یابد و تاریخ روابط بین‌الملل هم نشان می‌دهد که هیچ کشوری بر سر قوه بازدارندگی متعارف خود با دیگران به‌سادگی مذاکره نمی‌کند. از این لحاظ، مسئله موشکی بیشتر مورد توجه رژیم اسرائیل است که به صورت قالب‌بندی‌شده به مذاکرات هسته‌ای وارد شده و پیشرفت این برنامه را تهدیدی جدی برای بقای خود می‌داند؛ چون آتش گسترده موشکی ایران به‌نوعی قدرت اتمی و برتری هوایی اسرائیل را متعادل کرده و در نتیجه ایجاد یک «توازن وحشت»، دو طرف برای جلوگیری از نابودی هم‌زمان دست به خویشن‌داری نظامی می‌زنند. ضمن اینکه برنامه موشکی ایران مبتنی بر رویکردهای مستقل دفاعی کشور و یک موضوع اعتبار ملی است و هیچ‌گونه اجماع سیاسی برای ورود به چنین گفت‌وگویی در سیاست داخلی ایران به وجود نمی‌آید. پس اصرار طرف غربی بر موضوع محدودیت موشکی، همیشه بی‌فایده و تنها اخلاقی در روند مذاکرات بوده است. با واقع، احیای موفقیت‌آمیز برجام «پیش‌شرط» ایجاد ثبات پایدار منطقه‌ای است. اکنون محرران دوجانبه ایران-سعودی عمدتا بر محور حل بحران یمین در جریان است. برنامه موشکی ایران هم از نگاه سعودی در چارچوب انتقال این تکنولوژی به یمنی‌ها در نظر گرفته می‌شود، نه به شکلی که در بالا توضیح داده شد می‌باشد.
مورد خواسته رژیم اسرائیل است. فراتر از فشار دولت جو بایدن در آمریکا به سعودی‌ها برای تغییر سیاست خود در یمین، واقعیت این است که سعودی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که توان ادامه جنگ در یمین یا حداقل بیروزی به آن شکل اولیه را که تصور می‌کردند، ندارند و اینکه ایران برخلاف تصور آنها، در میدان نبرد بسیار قوی‌تر و از لحاظ سیاسی بافروندتر از تصور موجود است. به عبارت دیگر، زمان قدرت کنترل میدان و ابزارهای دیپلماسی برای اقیاع نبردهای انصارالله در یمین برای پذیرش آتش‌بس و ورود به مذاکرات صلح را دارد. البته از نگاه نویسنده، مشکلات منطقه‌ای «جامع» و «به‌هم‌پیوسته» هستند و باید در یک قالب گسترده‌تر احیای صلح و ثبات منطقه‌ای بحث شوند. اما ورود به گفت‌وگوهای تک‌محوری مثل حل بحران یمین که ایران اکنون در آن دست برتر را دارد، می‌تواند یک حرکت اعتمادساز با سعودی‌ها برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر دوجانبه یا چندجانبه منطقه‌ای شود. فراموش نکنیم که احیای روابط با سعودی‌ها، تأثیرات مثبت زیادی بر روابط ایران با سایر کشورهای عربی در منطقه بزرگ‌تر غرب آسیا خواهد داشت. واقعیت این است که ماهیت منازعه در منطقه بر اساس ویژگی‌های محلی مربوط به برتری ژئوپلیتیک کشورها و جبر تاریخی موجود در روابط ملت‌ها شکل می‌گیرند. جالب اینکه در بستر زمان هریک از این منازعات به شکلی پویا خود را با میدان منازعه سازگار کرده و تغییر شکل می‌دهند. این مسئله درباره تمام منازعات جاری در سوریه، عراق، یمین و حتی افغانستان صادق است. در این روند، نیروهای محلی ظرفیت‌ها و تجربه‌های جدیدی در حوزه استفاده از تکنولوژی و تجربه مقابله با نیروهای مخالف با مهاجمان خارجی کسب می‌کنند که معادله میدان و دیپلماسی سنتی را به هم می‌زند. همین امر بر پیچیدگی یک منازعه، تداوم آن و دستیابی به راه‌حل صلح پایدار می‌افزاید که مورد توافق همه طرف‌های درگیر باشد.
زمانی آمریکا با طالبان می‌جنگید و آن را گروه تروریستی می‌دانست، اما برتری میدانی طالبان ازجمله دسترسی به خاک، جمعیت، داشتن دولت، ادوات سنگین نظامی و… آمریکا را مجبور به مذاکره با طالبان کرده است. در سوریه، بشار اسد با مقاومت سرسختانه بیروز میدان جنگ شده و اخیراً دوباره به ریاست‌جمهوری رسید که به احتمال زیاد کشورهای حوزه خلیج فارس را که زمانی خواهان سرنگونی او بودند، وادار به بهبود روابط با حکومت سوریه می‌کند. ایران در یمین با استفاده از تکنولوژی پهپادها و موشک‌ها، سعودی‌ها را وادار به مذاکره کردند. داستان حماس و حزب‌الله و ترس رژیم اسرائیل از بقای خود در نتیجه همین تحولات مثال‌های دیگری هستند. همه این نیروها بر مبنای دفاع از بقای خود و با توجیه مبارزه با نیروی اشغالگر بیکانه به این تجربیات دست یافته‌اند. در این شرایط ناپایدار، ضرورت همکاری منطقه‌ای برای حل پایدار مشکلات جاری بیش از پیش احساس می‌شود. احیای موفقیت‌آمیز برجام و خروج نسبی ایران از بی‌اعتمادی استراتژیک به غرب و آمریکا، گام مهمی در راستای ورود سازنده و معنادار ایران برای حل پرونده‌های منطقه‌ای است. برتری ژئوپلیتیک ایران در یمنه غرب آسیا، این امکان را به کشور می‌دهد که از نقش مدعی و نفوذ دیپلماتیک خود در جهت دستیابی به هدف بزرگ‌تر ثبات منطقه‌ای استفاده کند که این بدون تردید در راستای منافع ملی کشور است. اما لازمه این کار، خروج غربی‌ها از تصور اشتباه متصل‌کردن مثلث برجام، مسائل منطقه‌ای و موشکی است که این خود می‌تواند روند بی‌اعتمادی متقابل موجود را عمیق‌تر و حتی منجر به ناپایداری توافقات احتمالی هسته‌ای در آینده شود.